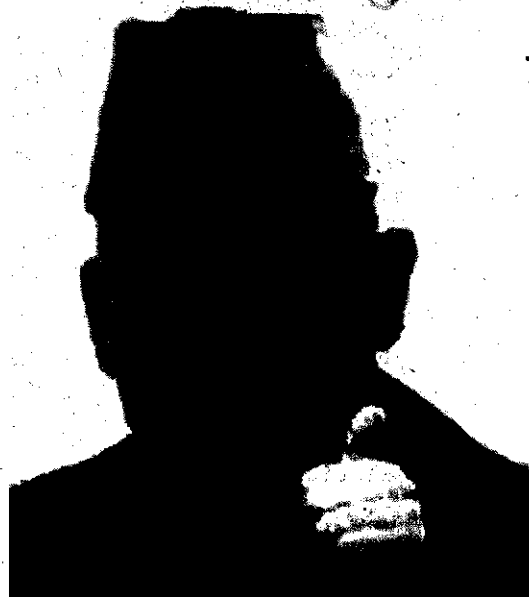


سوی



تهران کابل و آب هیرمند

حامد کرزای رئیس جمهوری افغانستان پس از پیروزی در انتخابات این کشور که اولین انتخابات دموکراتیک بود به تهران آمده و با مقامات ایرانی به مذاکره و تبادل نظر پرداخت.

یکی از مسائلی که در این مذاکرات مورد توجه قرار گرفت و در سفر خاتمی به افغانستان نیز از سوی طرفین به بحث گذارده شد وضعیت رود هیرمند و سهم ایران از آب این رودخانه مرزی بود که چند سالی است قطع شده و سبب گردیده بخش عمده‌ای از شرق کشور با بی آبی و خشکسالی مواجه شود. مشکل رود هیرمند اگر چه در سال‌های اخیر خصوصاً از زمانی که حامد کرزای روی کار آمده سعی شده با حسن نیت طرفین حل و فصل شود اما با وجود وعده‌هایی که طرف افغانی داده و تلاش‌هایی که از سوی تهران صورت گرفته هنوز حل نشده و به نظر می‌رسد به یک مشکل حاد و لاینحل تبدیل شود.

نگاهی به سخنان حامد کرزای در تهران بیانگر این واقعیت است که دولت کابل نیز در صدد است به نوعی دامن خود را از این مقوله کنار کشیده و اجازه ندهد مساله رود هیرمند به یک معضل میان دو طرف تبدیل شود هر چند برخی از افراد و گروه‌ها در افغانستان وجود دارند که تمایلی به حل این مشکل نداشته و در راه حل دوستانه و مسالمت‌آمیز آن سنگ اندازی می‌کنند.

حامد کرزای در سخنانی در تهران صراحتاً بر این مساله تاکید کرد که افغانستان به تمامی پیمان‌های خود متعهد است و اگر این رود آب داشته باشد آن آب از آن ایران خواهد بود.

اعلام این نظر از سوی حامد کرزای از اهمیت به سزایی برخوردار بوده و بیانگر این واقعیت است که دولت کنونی افغانستان مایل به دخالت در امور داخلی ایران نیست و در صدد است اختلافات با ایران را به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل کند. در حالی که در زمان طالبان این رژیم علاوه بر این که نسبت به خراسان ادعای ارضی داشت در راه جاری شدن آب هیرمند در مسیر اصلی خود نیز کارشکنی می‌کرد.

ایران در منطقه‌ای قرار گرفته که سال‌ها تحت سلطه انگلستان قرار داشته و بسیاری از مرزهای کنونی کشورها توسط انگلیسی‌ها ترسیم شده است.

به همین دلیل با وجود این که دهها سال از استقلال کشورها و تثبیت مرزهای گنزدولی هنوز هم برخی از کشورهای منطقه نسبت به دیگران ادعاهایی را مطرح کرده و خواسته‌هایی دارند که اصرار و یا فشاری جهت تحقق این خواسته‌های ارضی می‌تواند اوضاع را آشفته کرده و کشورها را رویاروی هم قرار دهد.

این وضعیت روابط بین کشورها را شکننده کرده و زمینه‌ساز بروز مشکلاتی گردیده که اگر با درایت و حسن نیت در جهت رفع این اختلافات کلمی برداشته نشود احتمال جنگ و خونریزی می‌رود. به طور مثال ایران بر سر نظام حقوقی خزر با کشورهای این منطقه دارای اختلافاتی است و یا در خلیج فارس، مساله ۳ جزیره به تدریج به یک مشکل

وعده‌های کرزای در باره جاری شدن مجدد آب در هیرمند جامه عمل پوشیده است

تبدیل می‌شود که می‌تواند منطقه را به آشوب بکشد، اگر چه ترکیه و پاکستان با ایران دلجویی اختلاف ارضی نیستند اما شرایط در افغانستان و عراق متفاوت است.

نگاهی به روابط تهران با کشورهای همسایه بیانگر این واقعیت است که این روابط بسیار شکننده بوده و از یک چارچوب استوار و منطقی برخوردار نیست به همین دلیل روابط این کشورها با کوچک‌ترین سو تفاهم و یا مساله‌ای خشنه‌دار شده و تحت‌الشعاع مسایل حاشیه‌ای قرار می‌گیرد تا حدی که گاهی اوقات مسایل پیش پا افتاده و ساده تبدیل به مسائلی حاد و لاینحل و بحران‌ساز می‌گردند که می‌توانند کشورها را در آستانه رویارویی نظامی قرار داده و سبب شعله‌ور شدن آتش جنگ شوند.

همین مسایل پیش پا افتاده و ظاهراً نه چندان مهم به شعله‌ور شدن آتش جنگی میان ایران و عراق انجامید که ۸ سال ادامه داشته و آثار آن هنوز هم در گوشه و کنار کشورمان به وضوح مشاهده می‌شود.

دریاچه هامون به یک کارخانه تولید شن و ماسه تبدیل شده است

پاکستان به نفع طرف مقابل ترسیم شده و تغییر یافت. اما از میان ۳ خط مرزی که در این منطقه توسط انگلیسی‌ها ترسیم شده اختلاف بر سر دو خط مرزی میان پاکستان و افغانستان و ایران و افغانستان ادامه دارد.

اگر چه در این میان ایران و افغانستان خط مرزی مشترک را به طور ضمنی پذیرفته‌اند ولی مساله آب رود هیرمند و اقداماتی که در این سال‌ها از سوی طرف افغانی صورت گرفته مشکل ساز شده است. افغانستان سال‌ها بخشی از ایران بود ولی بر اساس قرارداد پاریس که در سال ۱۸۵۷ به امضای رسید رسماً از ایران جدا شده و به استقلال دست یافت. در پی امضای این قرارداد ایران صراحتاً از ادعای خود نسبت به هرات دست کشیده و در فصل ششم آن قرارداد این مساله را تأیید کرد که پادشاه ایران قبول می‌فرماید از هر نوع ادعای سلطنت نسبت به شهر و خاک هرات و ممالک افغانستان صرف نظر کرده و به هیچ وجه از روسای هرات و ممالک افغانستان هیچ‌گونه علامت اطاعت از قبیل سکه یا خطبه و باج مطالبه نکند.

پس از کسب استقلال افغانستان، مساله خطوط مرزی دو طرف پیش آمد که این بار نیز انگلیسی‌ها در ترسیم آن نقش داشته و به نفع طرف مقابل اقدام کردند. مرز ایران و افغانستان از دهانه ذوالفقار که

افغانستان ادامه داشت. این اغتشاش و ناامنی روابط افغانستان با کشورهای همسایه به خصوص ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار داده بود.

بی‌ثباتی سیاسی حاکم بر افغانستان و تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب در ایران به وجود آمد مانع مذاکره طرفین در رابطه با حل و فصل اختلافات بوده و سبب گردیده سهم آب ایران از هیرمند طی این سال‌ها نادیده گرفته و کاملاً قطع شود به همین دلیل سیستان و بلوچستان با خشکسالی مواجه شده و ضرر هنگفتی از این طریق متحمل شود. اوضاع در این منطقه به قدری وخیم شده که دریاچه هامون از فهرست منابع آبی ایران حذف گردید.

افغانستان سال‌ها بخشی از ایران بود ولی از آن جا که انگلیس که کنترل شبه قاره هند را در دست داشته در صدد ایجاد مانع میان ایران و روسیه با هندوستان برآمده بود این سرزمین را از ایران جدا کرده و اقدام به تجزیه بخش‌هایی از مکران و بلوچستان کرد. در همین رابطه مرزهای ایران با

نگاهی به روابط تهران با کشورهای همسایه بیانگر این واقعیت است که ایران تقریباً با تمامی آنها و با به قولی تمامی آنها با تهران مساله دارند تا حدی که ممکن است آنچه در سال ۱۹۸۰ بین ایران و عراق اتفاق افتاد بین تهران با یکی دیگر از همسایه‌ها نیز روی دهد.

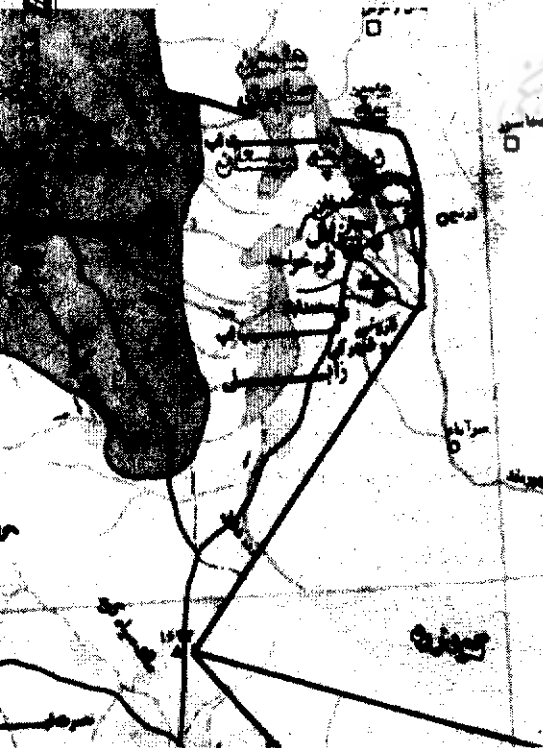
از جمله این همسایگان که روابطش در دهه‌های اخیر با ایران با فراز و نشیب همراه بوده باید از افغانستان نام ببریم که هم زمان با پیروزی انقلاب در ایران با تغییر و تحولاتی همراه گردید که این تغییرات آثار نامطلوب و ناگواری بر روابطش با کشورهای همسایه بر جای گذارد.

ایران، افغانستان و پاکستان از کشورهایایی هستند که سال‌ها تحت سلطه و نفوذ انگلیستان قرار داشتند و خطوط مرزی مشترک آنها نیز توسط انگلیسی‌ها و با صلاح دید آنها ترسیم شده است. این خطوط مرزی که از سوی هر ۳ کشور با اعتراض و مخالفت‌هایی همراه بود با گذشت ده سال هنوز هم از عوامل نارضایتی این کشورها خصوصاً تهران و کابل به شمار می‌رود اگر چه در این میان تهران سال‌ها قبل اختلافات خود را بر سر خطوط خاکی و آبی با پاکستان حل کرده ولی تهران و کابل و اسلام‌آباد هنوز هم با یکدیگر مشکل دارند.

اختلاف تهران و کابل عمدتاً بر سر چگونگی استفاده از آب رودخانه هیرمند و خط مرزی دو کشور در این منطقه است که سال‌ها به دلیل وضعیت حاکم بر افغانستان تحت‌الشعاع مسایل سیاسی و جاشیه‌ای قرار داشته است.

سفر چندی پیش حامد کرزای به تهران و دیدار خاتمی از افغانستان در سال ۱۳۸۱ و در پی آن ملاقات و تبادل نظر کمال خرازی وزیر خارجه ایران با حامد کرزای نخست‌وزیر وقت افغانستان در سازمان ملل، با گشایشی در مساله رود هیرمند همراه بود و نشان داد که در مقطع کنونی دو کشور در صدد هستند به دور از جنجال و جوسازی‌ها در راه حل این مشکل قدم بردارند.

افغانستان از سال ۱۹۷۳ با کودتای دلدوخان و استقرار سیستم حکومتی جمهوری در این کشور وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی و هرج و مرج شد که این وضعیت تا قبل از برگزاری انتخابات اخیر در



افغانستان



مرز مشترک ایران - افغانستان و روسیه بود تا نقطه مرزی مشترک ایران - افغانستان و پاکستان ۸۵۵/۰۲۱ کیلومتر است. در این مسیر اختلاف بر سر سهم آب ایران از رود هیرمند است. مرز مزبور توسط کلنل مک ماهون و گلد اسمیت ترسیم شده که طبق آن سمت راست هیرمند به افغانستان و سمت چپ به ایران واگذار شد. رود هیرمند و شعب اصلی آن از گوه‌های هندوکش سر چشمه گرفته و از پیوستن دو شاخه اصلی ازغنداب و کجکی در محلی به نام قلعه بست تشکیل می‌شود و آب آن به هامون می‌ریزد.

سیستان زمانی مرکز غله ایران به شمار می‌رفت دلیل آن نیز پد آب بودن رود هیرمند بود. یکی از مشکلاتی که در ارتباط با این رود وجود داشته و عامل اصلی اختلاف گردیده تغییر مسیر رود و بستن سد بر روی آن توسط افغان‌ها بوده است. در این ارتباط مذاکراتی بین تهران و کابل صورت گرفت.

در ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ نور محمدره کی به عنوان اولین رئیس جمهوری کمونیست روی کار آمد و طاوودخان اعدام شد. در اول سپتامبر ۱۹۷۹ حفیظ‌الله امین در یک اقدام نظامی تره‌کی را کشته و خود روی کار آمد که دوران او چندان دوام نیاورد زیرا شوروی تمایلی به ادامه حکومت امین نداشت به همین دلیل در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ ببرک کارمل با کمک ارتش سرخ شوروی به کابل آمده و با مرگ حفیظ‌الله امین، به عنوان سومین رئیس جمهوری کمونیست قدرت را در دست گرفت. ولی او هم نتوانست آرامش را در این کشور برقرار سازد لذا در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۶ جای خود را به دکتر نجیب‌الله داد.

ارتش سرخ شوروی در پی قرار داد ژنو به تدریج از افغانستان عقب‌نشینی کرد و در ۶ فوریه ۱۹۸۹ با خروج ژنرال گروموف فرمانده نیروهای شوروی در افغانستان به حضور آنها در این کشور خاتمه داده شد. از ۲۵ آوریل ۱۹۹۲ با روی کار آمدن صبغت‌الله مجددی دوران مجاهدین آغاز شد که متأسفانه با جنگ و درگیری همراه بود. از ۲۵ ژوئن ۱۹۹۲ برهان‌الدین ربانی به ریاست جمهوری رسید اما مخالفت حکمتیار و برخی از گروه‌های افغان مانع استقرار نظم و آرامش در این کشور شد تا این که پاکستان از موقعیت به دست آمده بهره گرفته و دست به ایجاد طالبان به رهبری ملا محمد عمر زد. طالبان با کمک ارتش پاکستان به افغانستان حمله‌ور شده و گام به گام در این کشور پیشروی کرد. در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶ آنها موفق به اشغال کابل شدند.

در سال‌هایی که جنگ در افغانستان ادامه داشت

ایران و افغانستان برای استفاده از آب هیرمند اختلاف داشته‌اند

توافقی‌هایی به دست آمده که به مرحله اجرا در نیامد. از جمله این قراردادها باید به قرارداد ۱۳۱۷ اشاره کرد که در آن بر این مسأله تأکید شده بود که منظور اصلی از انعقاد قرارداد، تأمین زراعت و آبیاری سیستان است و هیچ‌گونه قصد و نظری نسبت به مناقشه در امور داخلی افغانستان نیست.

در سال ۱۳۲۶ ایران درصدد برآمد مسأله رود هیرمند را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع کند اما در همان زمان آمریکا سعی کرد این مسأله را از طریق مذاکرات طرفین حل و فصل کند ولی هیچ‌یک از تلاش‌ها به نتیجه نرسید. آخرین توافقی که میان طرفین صورت گرفت در سال ۱۳۵۱ بود که در این سال یک معاهده ۱۲ ماده‌ای به امضا رسید. اگر چه پس از امضای آن در افغانستان کودتا شده و با سرنگونی ظاهر شاه، محمد داودخان به قدرت رسید اما او در مصاحبه‌ای صراحتاً بر این مسأله تأکید که ما با ایران اختلاف اساسی نداریم و معاهده هیرمند هم در حال حاضر در دست مطالعه و بررسی است.



مساله هيرمند و اختلاف با ايران به فراموشي سپرده شده بود زيرا حکومت دو کشور تغيير يافته و حکومت‌های جديد بايد برنامه‌های جديدي ارايه می‌دادند. ولی در زمان حاکمیت طالبان شرایط به کلی دگرگون شد به طوری که آنها علاوه بر این که سهم آب ایران از هیرمند را به کلی نفی می‌کردند نسبت به استان خراسان نیز ادعای ارضی داشته و آن را بخشی از مرو بزرگ می‌دانستند.

در زمان طالبان، رابطه تهران - کابل به پایین‌ترین حد خود رسید خصوصا پس از قتل عام تپلمه‌های ایران در هزاره شریف دو کشور کاملاً در دو جبهه مخالف هم قرار گرفتند. ولی حوادث ۱۱ سپتامبر به داد ایران و افغان‌ها رسیده و زمینه حمله آمریکا را به این کشور فراهم آورد که به سقوط طالبان و روی کار آمدن یک دولت موقت به نخست‌وزیری حامد کرزای انجامید.

پس از آن باز دیگر طرفین تمایل خود را به حل و فصل اختلافات مرزی آشکار ساختند تا این که سفر خاتمی به کابل در سال ۱۳۸۱ سبب گردید مساله هیرمند و سهم ایران مجدداً مطرح شود که با نظر مثبت کرزای مواجه شده و برای مدت کوتاهی آب تر هیرمند جاری شد.

در این ارتباط در شهریور ماه ۱۳۸۳ پس از ۳۲ سال اولین نشست کمیساران آب ایران و افغانستان تشکیل شد. در این نشست رضا اردکانیان معاون وزیر نیرو در امور آب به قرار گرفتن دو کشور در حوضه آبریز مشترک و لزوم همکاری‌های دو جانبه بین ایران و افغانستان اشاره کرد و آمادگی ایران را برای انتقال تجارت خود در زمینه‌های سازه‌ای و غیر سازه‌ای آب اعلام کرده سپس با اشاره به ماهده هیرمند که در سال ۱۳۵۱ بین دو کشور منعقد شده گفت: مطابق این ماهده در صورت ورود ۵/۶ میلیارد مترمکعب آب در هر سال به مخزن سد کجکی دولت افغانستان متعهد به تحویل ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه یعنی ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب در سال به ایران شده است و مبنای مقایسه آن ورودی ایستگاه دهرآزود در بالا دست سد کجکی است.

وی در ادامه با اشاره به امضای یادداشت تفاهم بین دو کشور در سال ۱۳۸۰ توسط خاتمی و کرزای که در آن بر اجرای ماهده هیرمند تاکید شده بود اعلام کرد: با تشکیل کمیته همکاری‌های مشترک آبی بین ایران و افغانستان در سال‌های اخیر و در

کشور کار قرار گرفتن ۴ پروژه و هم‌چنین تجهیز ایستگاه‌های اندازه‌گیری آب در افغانستان برای اجرا از سوی ایران، همکاری‌های آبی دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شده است.

ولی این نشست بدون دست‌یابی به نتیجه‌ای به پایان رسیده و امیدها از بین رفت. محمدرضا صبیح خیز مسوول اداره بیابان‌زدایی اداره کل منابع طبیعی سیستان و بلوچستان یکی از علل پیدایش بحران را در سیستان و بلوچستان اجرا نشدن تعهدات و قرارداد امضا شده میلان دو کشور دانست و اعلام کرد: طبق این قرارداد مقرر شد دولت افغانستان ۲۱ مترمکعب در ثانیه آب را از طریق هیرمند به زابل انتقال دهد که بخشی از این آب به دریاچه یا تالاب هامون سراریز می‌شد ولی در چند سال گذشته دولت افغانستان نیز به علت خشکسالی و کمبود آب از انتقال آب هیرمند به سوی زابل خودداری کرده است در حالی که شواهد نشان می‌دهد در صد قابل توجهی از آب مذکور برای آبیاری مزارع خشک‌خاش مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی آنچه جالب است این مساله است که آبی که وارد هامون می‌شد مجدداً به رودخانه شيله در گودزره افغانستان باز می‌گشت.

آب هیرمند از سال ۱۳۷۹ به روی ایران بسته شد. اگر چه قبلاً نیز به بهانه‌های مختلف در انتقال آب به ایران مزاحمت ایجاد می‌شد. در سال ۱۳۸۰ یادداشت تفاهمی بین رئیس جمهوری اسلامی ایران و رئیس دولت انتقالی افغانستان در این ارتباط به امضا رسید که هیچ اتفاق خاصی پس از آن روی نداد. مسوول اداره بیابان‌زدایی سیستان و بلوچستان معتقد است: با وجود همه این حرف‌ها و حدیث‌ها و قول‌ها و وعده‌هایی که داده شده دریاچه هامون که زمانی محل استقرار پرندگان مهاجر بود به یک کارخانه تولید شن و ماسه تبدیل شده است. به گفته وی حتی اگر مسوولین دو کشور بر سر ۱۵ مترمکعب یا کمتر و بیشتر از آن آب به توافق برسند نیز می‌توان منطقه را از بحران نجات داد.

با توجه به آنچه عنوان شد نمی‌توان امیدی به وعده‌های حامد کرزای بست زیرا در سال‌های گذشته نیز تمامی صحبت‌ها در حد وعده باقی ماند. در این میان ایران و مردم سیستان بازنده اصلی بوده و با مشکل مواجه شده‌اند. در حالی که افغان‌ها آب هیرمند را به مزارع کشت تریاک برگردانده و از آن بهره‌برداری می‌کنند.